

سازمان حقوق زنان



قوه قضائیه، معاونت آموزش

رسیدگی مدنی در شورای حل اختلاف - آموزش خاص اعضای شورای حل اختلاف
(۱۶) / تهیه کننده اداره کل آموزش کارمندان - اداره آموزش شورای حل اختلاف. -

ق.م: نشر قضا؛ ۱۳۸۵

۵۴ ص. - (نشر قضا؛ ۲۲۵)

ISBN : ۹۶۴ - ۵۳۴ - ۰۲۴ - ۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. شورای حل اختلاف - - قوانین و مقررات - - ایران. ۲. حل اختلاف - - ایران. الف. اداره

کل آموزش کارمندان. ب. عنوان

هر ۹۹ / ۱۸۲۹ KMH

۳۴۷/۵۵۰

۱۳۸۵



نشر قضا

رسیدگی مدنی در شورای حل اختلاف

زیر نظر معاونت آموزش قوه قضائیه، اداره کل آموزش کارمندان

ناشر: نشر قضا

چاپ دوم: ق.م، بهار ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰.۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اسراء

* * *

همه حقوق ویژه ناشر است

«نسخه حاضر از بودجه بیت المال تهیه شده و قابل خرید و فروش نمی باشد»

«نظریات مطروحه در این کتاب الزاماً دیدگاه معاونت آموزش قوه قضائیه نیست»

تهران: ف. حافظ شمالی، روبروی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، نبش ف. سمیه، سافتمان شماره ۳ قوه قضائیه

معاونت آموزش قوه قضائیه، تلفن: ۴۰ - ۸۸۹۳۳۶۳۳ و ۷۰ - ۸۸۹۱۹۴۶۵ (۰۲۱)

پست الکترونیک: info@law-training.ir

آموزش خاص اعضای شورای

حل اختلاف (۱۶)

رسیدگی مدنی در شورای حل اختلاف

اداره کل آموزش کارمندان

اداره آموزش شورای حل اختلاف

۱۳۸۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	کلیات
۱۱	فصل اول: دعاوی مدنی و انواع آن
۱۱	بخش اول - دعاوی مالی (خارج از صلاحیت شورا)
۱۲	بخش دوم - دعاوی مالی (در صلاحیت شورا)
۱۳	بخش سوم - دعاوی غیر مالی (در صلاحیت شورا)
۱۳	بخش چهارم - دعاوی غیر مالی (خارج از صلاحیت شورا)
۱۵	بخش پنجم - امور مدنی (خارج از صلاحیت شورا)
۱۷	- نکاتی چند در دستور تخلیه به لحاظ انقضای مدت
۱۸	- نحوه تعیین تکلیف دعاوی خارج از صلاحیت شورا
	فصل دوم: جهات شروع به رسیدگی در دعاوی مدنی در
	شورا و موانع آن
۲۱	بخش اول - استرداد دعوی یا درخواست یا دادخواست
۲۱	گفتار اول - استرداد درخواست یا دادخواست
۲۲	گفتار دوم - استرداد دعوی
۲۳	بخش دوم - نحوه دعوت از طرفین و رسیدگی به دعوی
۲۴	گفتار اول - دعوت از طرفین با قید در اخطاریه

۲۴	گفتار دوّم - تشکیل جلسه و رسیدگی به دعوی
۲۵	بند اوّل - جلسه اوّل رسیدگی
۲۸	بند دوم - اوقات و مواعید
۲۹	بخش سوم - استماع اظهارات طرفین
۲۹	بخش چهارم - ایرادات
۳۳	بخش پنجم - تنظیم صورت جلسه
۳۵	فصل سوم : ادله اثبات دعوی
۳۶	فصل چهارم : صدور قرارهای اعدادی
۳۶	بخش اوّل - قرار معاینه و تحقیق محلی
۳۷	بخش دوّم - قرار ارجاع امر به کارشناس
۳۸	بخش سوّم - قرار استماع شهادت شهود
۴۰	فصل پنجم : انواع رأی
۴۰	بخش اوّل - حکم رأی حضوری و غیابی
۴۰	بخش دوم - رأی قطعی و غیر قطعی
۴۱	بخش سوم - نحوه صدور رأی
۴۲	بخش چهارم - نحوه اصلاح رأی
۴۴	بخش پنجم - قرارهای نهایی
۴۴	گفتار اوّل - قرار توقیف دادرسی
۴۵	بند اوّل - نمونه قرار توقیف دادرسی و موارد آن
۴۶	گفتار دوم - قرار ردّ دعوی
۴۶	گفتار سوم - قرار سقوط دعوی

رسیدگی مدنی در شورای حل اختلاف

- ۴۶ گفتار چهارم - قرار عدم استماع دعوی
- ۴۷ - نمونه قرار عدم استماع دعوی
- ۴۸ گفتار پنجم - قرار ابطال دادخواست
- ۴۹ - نمونه قرار ابطال دادخواست
- ۴۹ بخش ششم - پاکنویس رأی
- ۵۱ بخش هفتم - ارتباط اعضاء شورا با مشاور در کنترل تصمیمات
- ۵۳ بخش هشتم - ابلاغ رأی
- ۵۴ **فصل ششم: اجرای آراء مدنی**

مقدمه

در دهه هفتاد دستگاه قضایی به جهت کثرت مراجعین، ورودی پرونده‌ها و کمبود نیرو و امکانات با معضل بزرگی مواجهه گردید که پیامد آن متوسط طول مدت رسیدگی به پرونده‌ها و از شاخصه‌های مهم نظام قضایی بود و گاهاً همین طولانی بودن زمان رسیدگی سبب ایجاد خصومت بیشتر و اصطکاک بین اصحاب دعوی شده بود و نتیجه اش ایجاد تنش و فشارهای اجتماعی در ابعاد قضایی که منجر به افزایش ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی می‌شد.

افزایش بیش از حد مراجعین و تراکم پرونده‌ها مسوولین محترم کشور خصوصاً دستگاه قضایی را بر آن داشت تا معضل موجود را به نحوی شایسته و ممکن رفع نمایند که نتیجه اش ارائه طرح تشکیل نهاد شبه قضایی شورای حل اختلاف گردید. بر این اساس در برنامه سوم توسعه تأسیس و راه اندازی آن پیش بینی شد و با تصویب این قانون وظیفه و مسوولیت خطیر و سنگینی بر عهده قوه قضاییه نهاده شد چرا که باید نهادی را تأسیس می نمود که اعضاء آن دارای شرایطی ویژه باشند یعنی ضمن اینکه با مقررات و قانون و نیز اصول و ارکان داورى و حکمیت آشنائی داشته مورد وثوق مردم بوده و از بین عامه مردم به وسیله قوای سه گانه یا نمایندگان آنها انتخاب شوند و بدون هیچ گونه چشم داشتی و تبرعاً هم انجام وظیفه نمایند. یافتن این نیروها با ویژگیهایی که ذکر شد آن هم در سطح گسترده کاری

بس دشوار و پیچیده بود؛ طبق روال همیشگی ایثارگران و خادمین گمنامی که در دستگاه قضایی کم نیستند بدون توقع با حداقل امکانات برای کمک به مسولین وارد عمل شدند و با تلاش و کوششی توصیف ناپذیر موفق به تشکیل این نهاد شبه قضایی در اقصی نقاط کشور شدند.

انگیزه موجودیت این نهاد شبه قضایی کاهش بار تراکم ورودی پرونده‌ها، کاهش طول دادرسی، امکان دسترسی سریع و سهل و آسان مردم به مراجع حل اختلاف، حل و فصل دعاوی آنان و ترویج فرهنگ صلح و سازش بود. این ابتکار تأثیر شگرفی در حل مشکلات دستگاه قضایی در کشور داشته است که باید آن را ارج نهاد.

کلیات

شورای حل اختلاف پس از وصول درخواست یا دادخواست باید اقداماتی را انجام دهد که در وضعیت و سرنوشت دادخواست و پرونده مؤثر است این اقدامات باید انجام شود تا پرونده معد رسیدگی و صدور رأی گردد، پس از ثبت پرونده و ارجاع به حوزه، بهتر است اولین اقدام شورا این باشد که پرونده را از حیث مقرراتی که در مواد ۵۱ و ۵۲ قانون آئین دادرسی مدنی در شرایط دادخواست درج گردیده بررسی نماید که این اقدام توسط دبیر حوزه انجام می شود. (۱)

۱- ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹:

- دادخواست باید به زبان فارسی روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:
- نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه، و حتی الامکان شغل خواهان. تبصره: در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.
 - ۲- نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.
 - ۳- تعیین خواسته و بهای آن مگر اینکه تعیین بها ممکن نبوده یا خواسته، مالی نباشد.
 - ۴- تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.
 - ۵- آنچه خواهان از دادگاه در خواست دارد.
 - ۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت و ترتیب واضح نوشته می شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.
 - ۷- امضای دادخواست دهنده در صورت عجز از امضا اثر انگشت او.
- تبصره ۱- اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.
- تبصره ۲- چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد.

در صورتی که شقوق مختلف ماده ۵۱ و ۵۲ قانون مذکور در تقدیم دادخواست رعایت شده بود پس از تفکیک اوراق مربوط به اصحاب دعوی و شورا از یکدیگر دبیر حوزه در ذیل دادخواست گواهی می نماید که پرونده تکمیل است و جهت صدور دستور به نظر رئیس محترم شورا می رسد. طبق ماده ۸ آئین نامه اجرایی اظهارات شفاهی هم گرچه شکایت کتبی نباشد در صورت مجلس درج و بدان ترتیب اثر داده می شود. به محض اینکه پرونده به نظر اعضای شورا رسید وضعیت پرونده با آنچه در گزارش دبیر در خصوص تکمیل بودن پرونده شده مطابقت داده می شود چنانچه نقصی وجود نداشت دستور تعیین وقت رسیدگی و دعوت از اصحاب دعوی را صادر می نمایند چنانچه در پرونده نقصی باشد موارد نقص به دبیر حوزه گزارش می شود و دبیر حوزه مکلف است وفق ماده ۵۳ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی عمل نماید^(۱) که در اصطلاح حقوقی به آن قرار ردّ دفتر می گویند و قابل اعتراض نزد اعضاء شورای حل اختلاف ظرف ۱۰ روز است.

ماده ۵۲: در صورتی که هر یک از اصحاب دعوی عنوان قیّم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشند در دادخواست باید تصریح شود.
۱- ماده ۵۳: در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه [دبیر شورا] پذیرفته می شود لکن به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود.
الف- وقتی بندهای (۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶) ماده ۵۱ این قانون رعایت نشده باشد.

فصل اول : دعاوی مدنی و انواع آن

دعاوی را از حیث خواسته به مالی و غیر مالی تقسیم نموده‌اند البته در این خصوص هنوز هم بین علمای حقوق اختلاف نظر است و عده‌ای ضمن اینکه دعوی را غیر مالی می‌دانند قائل به تقویم آن به مبلغ مندرج در اسناد مستند دعوی هستند . دعاوی که در آنها بایستی خواسته تقویم و به مأخذ آن تمبر هزینه دادرسی ابطال شود دعاوی مالی است و اساساً با اثبات حق و اجرای آن منفعتی برای ذیحق ایجاد می‌شود . و مستقیماً قابل تقویم به پول است.

بخش اول: دعاوی مالی(خارج از صلاحیت شورا)

- ۱ - ابطال قرارداد دعاوی انتقال ملک.
- ۲ - ابطال عملیات اجرایی اسناد لازم الاجرای مالی.
- ۳ - دعاوی راجع به حقوق مالی مانند حق شفعه ، فسخ ، ابطال معامله و بی اعتباری سند .
- ۴ - اعتراض به ثبت.
- ۵ - اعتراض به تحدید حدود .
- ۶ - اعسار از هزینه دادرسی و محکوم به .
- ۷ - ابطال رأی داور در صورتی که موضوع داوری مالی باشد .
- ۸ - اعتراض ثالث به ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام با ادعای مالکیت بر مال توقیف شده .
- ۹ - دعاوی ورشکستگی و توقف .

- ۱۰ - دعوی افراز و تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت.
- ۱۱ - مطالبه دیه بطرفیت وراثت در قتل غیر عمدی.
- ۱۲ - تعدیل اجاره بها.
- ۱۳ - ابطال سهام شرکت.
- ۱۴ - ابطال صورتجلسه افزایش یا کاهش سرمایه .

بخش دوم: دعاوی مالی (در صلاحیت شورا با رعایت نصاب تا میزان ده میلیون ریال)

- ۱ - مطالبه خسارات به طور کامل.
- ۲ - مطالبه وجه اسناد تجاری و اوراق بهادار مانند چک و سفته و اسناد عادی.
- ۳ - الزام به تنظیم سند اتومبیل.
- ۴ - الزام به تنظیم سند رسمی ملک غیر منقول.
- ۵ - الزام به تنظیم سند رسمی تلفن ثابت و همراه .
- ۶ - الزام به انتقال سهام شرکت.
- ۷ - استرداد اموال.
- ۸ - مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم.
- ۹ - خلع ید در صورتی که مالکیت محل اختلاف نباشد.
- ۱۰ - مطالبه اجراء المثل.
- ۱۱ - مطالبه اجور معوقه .
- ۱۲ - اختلاف ناشی از پیمانها.

۱۳ - مطالبه سهم الشرکه.

۱۴ - الزام به ایفای تعهدات مالی.

۱۵ - اعتراض ثالث به دعاوی فوق.

۱۶ - دعوی تقابل در دعاوی فوق.

بخش سوم : دعاوی غیر مالی (در صلاحیت شورا)

دعاوی که نیاز به تقویم خواسته ندارند و در جهت اثبات حق غیر مالی اقامه می شوند به نحوی که منفعت حاصله از آن برای ذیحق مستقیماً قابل تقویم به پول نمی باشد و به شرح زیر است:

۱ - دعوی تخلیه اماکن مسکونی.

۲ - دستور تخلیه.

۳ - رفع مزاحمت و ممانعت از حق و رفع تصرف عدوانی.

۴ - تحریر ترکه و مهر و موم ترکه.

۵ - درخواست سازش بین طرفین (در کلیه دعاوی مدنی).

۶ - تأمین دلیل.

۷ - دعوی رفع نم و رطوبت.

بخش چهارم: دعاوی غیر مالی (خارج از صلاحیت شورا)

۱ - دعوی ابطال شناسنامه.

۲ - دعوی ثبت علامت تجارتي.

- ۳ - دعوی ثبت اختراع.
- ۴ - دعوی تنظیم سند اجاره.
- ۵ - صدور دستور موقت.
- ۶ - ابطال عملیات اجرائی اسناد غیر مالی.
- ۷ - تعیین داور و سرداور.
- ۸ - تقاضای اجرای اجرائیه برای رأی داور.
- ۹ - دستور فروش مال غیر منقول.
- ۱۰ - عزل وکیل.
- ۱۱ - درخواست فرزند خواندگی.
- ۱۲ - تفکیک ملک و فک رهن.
- ۱۳ - افراز در صورت عدم اختلاف در مالکیت.
- ۱۴ - اعتراض به رأی هیأت تشخیص ماده ۲۲ قانون شورای اسلامی.
- ۱۵ - دعوی انحلال شرکت.
- ۱۶ - اعتراض به نظریه کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری.
- ۱۷ - تعیین مدیر تصفیه.
- ۱۸ - تصحیح نام در مدرک تحصیلی.
- ۱۹ - گواهی انحصار وراثت.
- ۲۰ - صدور حکم موت فرضی.
- ۲۱ - الزام به تعمیرات اساسی علیه موجر.
- ۲۲ - تجویز انتقال منافع در ملک تجاری.
- ۲۳ - تنفیذ وصیت نامه عادی.

- ۲۴ - تنفیذ صلحنامه عادی.
 - ۲۵ - دعوی ابطال رأی داوری در موارد غیر مالی.
 - ۲۶ - اعتراض به رأی هیئت حل اختلاف ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگلها.
 - ۲۷ - اختلاف در نسب.
 - ۲۸ - اختلاف در وقفیت.
 - ۲۹ - اختلاف در تولیت.
 - ۳۰ - اخراج ثلث.
 - ۳۱ - اعتراض به رأی هیأت عالی نظام پزشکی.
 - ۳۲ - دعوی تغییر جنسیت.
- و

بخش پنجم: امور مدنی (خارج از صلاحیت شورا)

امور مدنی خارج از صلاحیت شورا در دعاوی غیر مالی دعاوی مدنی غیر مالی خارج از صلاحیت شورا را به اعتبار نوع خواسته به شرحی که در بند ۲ ذیل قسمت الف ماده ۷ آئین نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران آمده می‌توان تجزیه و تفریق نمود، بنابراین دعوی خلع ید از اعیان که دعوی غیر مالی و در صلاحیت شورای حل اختلاف است چنانچه خوانده در حین رسیدگی ادعای مالکیت به ملک مورد ترافع نماید همین ادعا دعوی را از صلاحیت شورا به

جهت اختلاف در مالکیت خارج می‌سازد و همین‌طور سایر دعاوی که در بند ۲ ذیل قسمت الف ماده ۷ قانون مذکور آمده در صورتی که اصل مالکیت محل اختلاف نباشد. بعضاً خواهان به جهت اینکه مستأجر اجاره بها را پرداخت نکرده به گمان اینکه درخواست فسخ اجاره همان تخلیه ملک است به شورا دادخواست فسخ و تخلیه مورد اجاره می‌دهند این نوع دعاوی دارای دو مرحله رسیدگی بدواً باید به دعوی فسخ رسیدگی و در صورت تنفیذ خیار فسخ از ناحیه شورا علت تخلیه مشخص می‌شود. اما نکته حائز اهمیت این است که اساساً رسیدگی به دعوی استفاده از خیار فسخ و تنفیذ آن در صلاحیت شورا نیست و نمی‌شود به چنین دعاوی به علت عدم پرداخت اجاره بها تحت عنوان تخلیه رسیدگی نمود بلکه بدواً باید به دعوی فسخ رسیدگی و در صورت اثبات به دعوی تخلیه که علت آن تنفیذ و صدور حکم به فسخ اجاره است رسیدگی نمود.

یادآوری (۱) :

تخلیه از املاک مسکونی در صلاحیت شورای حل اختلاف است بعضاً موجرین اقدام به تنظیم سند اجاره برای محل تجاری نموده‌اند اما در اجاره‌نامه خلاف اصل اعلام نموده‌اند که ملک مسکونی و برای سکونت به مستأجر اجاره داده شده در حالیکه عملاً استفاده تجاری می‌شود در جریان رسیدگی خوانده به این موضوع معترض می‌گردد. به نظر می‌رسد در اینگونه موارد

نیز در صورتی که ادعای خوانده ثابت شود با استفاده از وحدت ملاک ماده ۳۰ قانون مالک و مستأجر مصوبه سال ۱۳۵۶ شورا صالح به رسیدگی نبوده و می‌بایست قرار عدم صلاحیت رسیدگی صادر نماید. (۱)

نکاتی چند در دستور تخلیه بلحاظ انقضای مدت

به صراحت ماده ۴ قانون موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۷۶ تحت عنوان رسیدگی به تخلیه به لحاظ انقضای مدت، موجر باید مبلغی که به عنوان ودیعه یا تضمین و یا قرض الحسنه و ... از مستأجر دریافت کرده به مستأجر در هنگام تخلیه مسترد نماید برای مثال الف خانه‌اش را در مقابل اخذ مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان مال الرهانه از مستأجر به وی اجاره داده اکنون که موجر درخواست تخلیه می‌کند و پرونده به شورا ارجاع می‌شود تا حوزه شروع به رسیدگی نماید نباید موجر را مکلف به تودیع مبلغ ودیعه به حساب دولت نمود و نباید حتی پس از صدور دستور تخلیه نیز موجر را به تودیع مبلغ ودیعه مکلف نمائیم

۱- ماده ۳۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ :
کلیه طرق مستقیم یا غیر مستقیم که طرفین به منظور جلوگیری از اجرای مقررات این قانون اتخاذ نمایند پس از اثبات در دادگاه باطل و بلا اثر است.

بلکه دستور قانونگذار این است که:

" تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یا وجه مذکور و یا سپردن آن به دایره اجراست".
اما ملاحظه شده به محض وصول درخواست تخلیه حوزه رسیدگی کننده موجر را مکلف به تودیع ودیعه به صندوق دولت می نماید که مشکلاتی در پی دارد و از جمله اینکه در جریان رسیدگی بعضاً قضات مشاور رأی صادره را تائید نمی کنند. مستأجر به صحت و اصالت سند اجاره معترض می شود و یا قرارداد دیگری که مدت آن تمدید گردیده ارائه می شود و به طور کلی موضوع تخلیه منتفی و شاید شش ماه اجرای آن به طول انجامد.

در این صورت موجر وجهی را که بابت رهن از مستأجر گرفته نمی تواند استفاده نماید و به دلیل اقدام شورا مدت زمانی از منافع مبلغ فوق محروم می شود. بهتر است وفق صراحت ماده ۴ در هنگام اجرای حکم و همزمان با آن ودیعه از موجر اخذ و به مستأجر پرداخت شود.

- نحوه تعیین تکلیف دعاوی خارج از صلاحیت شورا

همین که دادخواستی با رعایت تشریفات اداری به حوزه واصل شد دبیر شورا باید دادخواست را از حیث تشریفات شکلی و مقررات قانونی آیین دادرسی مدنی بررسی و تکمیل نماید، در صورت تکمیل بودن، پرونده را با گزارش تکمیلی به نظر ریاست

حوزه برسانند. اعضاء شورا پس از بررسی صحت گزارش دبیر و قبل از هر گونه اقدامی باید صلاحیت رسیدگی خود را از جهت نسبی و محلی و ذاتی بررسی در صورت وجود ارکان و شرایط عدم صلاحیت، اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت نمایند. (۱)

باید توجه داشت در تعدادی از دعاوی مثل خلع ید قبل از دعوت از طرفین و بررسی مدارک مستند دعوی امکان بررسی صلاحیت وجود ندارد و یا معلوم نمی شود اما در جلسه اول و یا در جریان استعلام از اداره ثبت اسناد و با توجه به مطالبی که خواننده در دفاع بیان می کند این مطلب مشخص می شود مثل اینکه خواننده اجاره نامه ای ارائه می نماید و یا به استماع گواهی گواهان متمسک می شود که رابطه استیجاری با خواهان دارد و یا مدعی خرید مورد ترافع می گردد که عدم صلاحیت شورا، محقق می شود در اینگونه موارد لازم است پس از استماع اظهارات طرفین شورا اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت به دلیل اختلاف در مالکیت که خواننده مدعی گردیده نماید بدیهی است ارکان صحت دعوی خلع ید مالکیت خواهان به موجب سند رسمی است با صدور قرار عدم صلاحیت به صراحت ماده ۱۵ آئین نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم... در صورتی که شورا خود را صالح به

۱- رجوع کنید به کتاب راهنمای رسیدگی عملی در شوراهای حل اختلاف صفحات ۸۶ به بعد.

رسیدگی نداند، مراتب را به مدعی جهت طرح دعوی در دادگاه صالحه ابلاغ و پرونده مطروحه را در شورا بایگانی می نماید.

فصل دوم: جهات شروع به رسیدگی در دعاوی مدنی در شورا و موانع آن

جهات شروع به رسیدگی در شورا در ماده ۸ آئین نامه اجرائی موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه... صراحتاً بیان گردیده که به شرح زیر است:

- ۱ - وصول دادخواست و ارجاع آن از طرف رئیس یا معاون.
- ۲ - سکونت طرفین دعوی در حوزه شورا.
- ۳ - اشتغال طرفین دعوی در حوزه شورا.
- ۴ - تراضی طرفین در انتخاب حوزه ای معلوم برای طرح دعوی.
- ۵ - وجود مال غیر منقول در حوزه شورا.
- ۶ - داشتن صلاحیت .

توضیح: شروط مذکور برای رسیدگی می تواند در یک دعوی تمامی آن شروط باشد و یا یکی از آنها به هر حال باید یکی از شروط صدر الذکر در طرفین و یا مال مورد اختلاف وجود داشته باشد تا شورا رسیدگی را شروع کند توجه داشته باشیم که قبل از احراز وجود هر یک از شرایط مذکور شورا باید صلاحیت ذاتی نیز داشته باشد .

بخش اول: استرداد دعوی یا دادخواست یا درخواست گفتار اول: استرداد درخواست یا دادخواست

قانونگذار در بند الف ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ مقرر داشته چنانچه تا تشکیل اولین جلسه

دادرسی خواهان دادخواست خود را مسترد دارد قرار ابطال دادخواست صادر خواهد شد. (۱)

گفتار دوم

استرداد دعوی

قانونگذار در بند ب ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ مقرر داشته مادامی که دادرسی تمام نشده خواهان می‌تواند دادخواست خود را مسترد نماید که در این صورت قرار ردّ دعوی صادر خواهد شد. لازم است جمله "مادامی که دادرسی تمام نشده" را از حیث وضعیت پرونده بررسی نمائیم قانونگذار در قانون آئین دادرسی مدنی قبل از سال ۱۳۷۹ این مرحله از دادرسی را "تا ختم مذاکرات طرفین" می‌دانست و علمای حقوقی اعتقاد بر این داشتند که "تا قبل آخرین جلسه دادرسی" و عده‌ای نیز بر این عقیده بودند که "تا قبل از معد شدن پرونده برای صدور رأی" مرحله تمام نشدن دادرسی است بنظر می‌رسد صحیح آن مرحله‌ای است که پرونده معد صدور رأی نمی‌باشد. (۲)

۱ - رجوع کنید به کتاب راهنمای رسیدگی عملی در شورای حل اختلاف ص ۹۱ تا ۹۳.

۲ - رجوع کنید به منبع پیشین ص ۹۱ تا ۹۳.

تذکر مهم:

لازم است در جریان استرداد دادخواست یا دعوی به وسیله خواهان، تقاضای کتبی به دبیر شورا تقدیم شود و دبیر شورا پس از احراز هویت و سمت متقاضی مراتب احراز هویت و سمت وی را با رویت اوراق شناسائی وی در ذیل درخواست و لایحه تقدیمی منعکس و آن را در دفتر ثبت لایحه ثبت و در برگ لایحه نیز شماره آن را قید نماید سپس به ضمیمه پرونده به حوزه تقدیم کند و حوزه نیز در صدور قرار خود با استناد به این مطلب که خواهان دعوی خود را به موجب لایحه مثبت به شماره ... که صحت امضاء آن از ناحیه دبیر حوزه تأیید گردیده دادخواست خود را مسترد نموده است، قرار صادره را انشاء نماید. این اقدامات از بروز تالی فاسدی که ممکن است از فقدان لایحه، عدم وجود سمت متقاضی یا عدم امضاء لایحه توسط ذی سمت پیش آید جلوگیری خواهد نمود.

بخش دوم: نحوه دعوت از طرفین و رسیدگی به دعوی

همین که دادخواست با گزارش تکمیلی به شرحی که در قبل آمده تقدیم حوزه گردید حوزه مکلف است با بررسی صحت گزارش دبیر با قید این مطلب "... وقت رسیدگی تعیین، طرفین به رسیدگی دعوت شوند و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم برای خوانده ارسال شود"، چنانچه نیاز به استعلام از مراجعی باشد نیز در ذیل همان دستور درج نماید برای مثال در دعوی خلع ید نوشته

شود وضعیت ثبتی از اداره ثبت محل استعلام شود.

گفتار اول

دعوت از طرفین با قید در اخطاریه

گاهی لازم است به اطراف دعوی در اخطاریه ارسالی مطالبی عنوان شود که در روز رسیدگی در اتخاذ تصمیم شورا مؤثر است مثل زمانی که لازم است خواهان جهت اخذ توضیح در جلسه حاضر شود و یا اینکه به خواهان بنویسند اصل مدارک را همراه داشته باشد یا به خواهان بنویسند گواهان تعرفه شده خود را در جلسه حاضر نمایند تمامی این قیود باید توسط اعضاء شورا در صورت جلسه و دستور صادره درج گردد و دبیر نیز مکلف است عین آن را در اخطاریه صادره درج و ارسال نماید در صورتی که اخطاریه بدون قیود مذکور که مورد نظر اعضاء شورا است صادر شود روز جلسه چنانچه اخطاریه ابلاغ شده باشد و طرفین حاضر نشوند شورا قادر به اتخاذ تصمیم و صدور رأی نمی باشد و در صورت صدور رأی نیز خلاف مقررات اتخاذ تصمیم نموده است.

گفتار دوم

تشکیل جلسه و رسیدگی به دعوی

تشکیل جلسه اول دارای ویژگیهایی است که برای طرفین دعوی حق و تکلیف ایجاد می نماید و باید به آن توجه مخصوص داشت

و اساساً علت تشکیل جلسه رسیدگی هم در اخطاریه‌ها قید شده است.

بند اول

جلسه اول رسیدگی

اگر جلسه رسیدگی جلسه اول باشد خواننده دارای حقوقی است:

- ۱ - می‌تواند اصل مدارک مستند دعوی را از خواهان بخواهد و نسبت به آن ادعای جعل یا تردید یا انکار نماید و اگر خواهان ارائه ندهد از عداد دلایل وی خارج می‌شود.
- ۲ - می‌تواند دعوی تقابل طرح نماید.
- ۳ - می‌تواند جلب ثالثی را بخواهد.
- ۴ - می‌تواند ایراد نماید طبق مبحث ایرادات.
- ۵ - خواهان خواسته خود را افزایش دهد با رعایت نصاب معتبر در شوراها حل اختلاف.

اعضاء شورا برای رسیدگی به دعوی باید نکات زیر را توجه نمایند:

وصول اخطاریه طرفین که برای روز و ساعت معینی به رسیدگی دعوت شده‌اند و اخطاریه‌ها وفق مواد قانونی مندرج در مواد ۶۷ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی به طرفین دعوی ابلاغ شده باشد. نحوه ابلاغ باید وفق مقررات قانونی صورت گیرد و مأمور

ابلاغ باید نام و نام خانوادگی خود و روز و ساعتی را که به مخاطب و اخطار شونده ابلاغ نموده در ظهر اخطاریه قید نموده باشد و نیز گزارش نحوه ابلاغ و مواد قانونی نیز در آن ذکر گردیده باشد و در صورتی که برگ اخطاریه به رؤیت اخطار شونده نرسیده علت قانونی آن را نیز ذکر نموده باشد باید توجه داشت که تاریخ اخطاریه ابلاغ شده باید حداقل پنج روز تا روز رسیدگی فاصله داشته باشد و الا امکان رسیدگی به پرونده وجود نخواهد داشت. (۱)

رکن اصلی معد بودن پرونده برای شروع به رسیدگی و تشکیل جلسه دادرسی نحوه ابلاغ به اصحاب دعوی و اعاده اخطاریه ابلاغ شده‌ای که وفق مواد قانونی به طرفین ابلاغ گردیده است می باشد، چنانچه به هر دلیلی اخطاریه ابلاغ نشود موجبات تجدید جلسه رسیدگی فراهم است. اگر تمامی ارکان از پیش گفته شده از جمله نحوه ابلاغ و رعایت فاصله ابلاغ تا دادرسی و سایر مواردی که برای ورود به پرونده و تشکیل جلسه لازم است وجود داشت در ساعت مقرری که قبلاً در اخطاریه طرفین ذکر گردیده طرفین دعوی به شورا فرا خوانده می شوند و در این زمان جلسه تشکیل است.

به این نکته باید توجه داشت که از هنگامی که طرفین در جلسه

۱ - در بحث اوقات و مواعید به آن پرداخته شده است.

حضور می‌یابند تا هنگامی که ذیل صورتجلسه را امضاء می‌کنند. زمان تشکیل جلسه است و هر مطلبی طرفین اظهار می‌نمایند به همان نحو باید در صورتجلسه منعکس شود و نباید در غیاب خوانده یا خواهان مطالبی به وی گفته شود و یا مطالبی از ناحیه وی استماع شود و نباید یکی از اطراف دعوی را از دادگاه بیرون و دیگری در داخل باشد یا بالعکس از هنگام شروع جلسه و ختم آن باید طرفین در شورا حضور داشته باشند و اظهارات یکدیگر را به وضوح استماع نمایند و در قبال مطلب عنوان شده پاسخ دهند، لازم است اعضاء شورا در زمان تشکیل جلسه کاملاً بیطرف باشند و مطالبی له یا علیه طرفین دعوی عنوان ننمایند که موجب خروج از اصل بی‌طرفی گردد مگر اینکه شورا در مقام حل اختلاف و سازش طرفین باشد.

همین که شورا شروع به رسیدگی می‌کند لازم است طی صورتجلسه‌ای با قید تاریخ و زمان تشکیل جلسه و تصدی افراد رسیدگی کننده و اینکه کدامیک از طرفین دعوی حاضرند و آیا اخطاریه‌ها واصل شده، اگر طرفین لایحه‌ای داده‌اند با ذکر شماره ثبت آن و در صورتی که احدی از اصحاب دعوی حاضر نیست قید این مطلب که با رعایت انتظار کافی خواهان یا خوانده حاضر نشده و لایحه‌ای نفرستاده در صورتجلسه قید گردد.

بند دوم

اوقات و مواعید

اوقات رسیدگی همان وقتی است که شورا قبلاً در اخطاریه دعوت از طرفین در محل مربوط به زمان حضور، قید نموده که با روز و ساعت و مکان آن و علت حضور تعیین خواهد شد در اخطاریه علت حضور طرف باید قید گردد و چنانچه خواهان دادخواستی تقدیم نموده که مدارکی نیز ضمیمه دادخواست نموده باید برای طرف مقابل (خوانده) ارسال شود. وقت رسیدگی باید طوری تعیین شود که از تاریخ ابلاغ تا تاریخ رسیدگی بیش از مدت پنج روز فاصله داشته باشد این مطلب در شق اخیر ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی درج گردیده است. هر جلسه‌ای که شورا تشکیل می‌دهد اختصاص به همان دعوایی دارد که قبلاً طی اخطاریه‌ای طرفین به رسیدگی دعوت شده‌اند و باید در زمان مقرر تشکیل جلسه داد و قبل و یا بعد از آن شورا مجاز به تشکیل جلسه نمی‌باشد مگر اینکه طرفین حضور داشته باشند و نسبت به زمان تشکیل جلسه با یکدیگر تراضی نمایند این مطلب باید در صورتجلسه منعکس شود. چنانچه جلسه برای رسیدگی می‌باشد باید در اخطاریه قید شود و یا ممکن است منظور از دعوت از طرفین اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی و یا استماع اظهارات گواهان باشد که در این صورت ضمن اینکه در اخطاریه قید می‌شود موعده آن نیز از حیث تاریخ روز و ساعت باید رعایت گردد.

جلسات شورا ممکن است در وقت مقرر باشد که از قبل تعیین شده و طرفین نیز دعوت شده‌اند و ممکن است در وقت فوق‌العاده

باشد به هر دلیل جلسه‌ای تشکیل شود باید در صورت جلسه وقت آن که در وقت مقرر است یا فوق‌العاده در صورت جلسه منعکس گردد.

بخش سوم

استماع اظهارات طرفین

همین که جلسه با رعایت تمامی ارکانی که ذکر شد تشکیل گردید و مقدمه آن در صورت‌جلسه منعکس شد ابتداء اظهارات خواهان استماع و در صورت‌جلسه منعکس می‌گردد چنانچه خواهان باسواد باشد می‌تواند مطالب را خود در صورت‌جلسه درج نماید با استماع اظهارات خواهان که در آن مدارک مورد ادعا و مستندات خود را ذکر و عنوان می‌نماید دفاعیات خوانده استماع می‌شود و در صورت‌جلسه منعکس می‌گردد در ابتدا شورا طرفین را تکلیف به سازش می‌نماید.

بخش چهارم

ایرادات

ایرادات مخصوص خوانده دعوی است که می‌تواند ضمن پاسخ به ماهیت دعوی ایراداتی اظهار نماید یا می‌تواند بدون پاسخ به ماهیت دعوی ایراد نماید قانونگذار در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ در ۱۱ بند ایرادات خوانده را احصاء نموده است که در صورت صحت آن مانع رسیدگی و

ورود شورا به ماهیت دعوی خواهد بود.

۱ - شورا صلاحیت نداشته باشد.

این صلاحیت یا ذاتی یا نسبی یا محلی است در مورد صلاحیت نسبی قبلاً متذکر شده ایم که میزان آن تا ده میلیون ریال می باشد؛ محلی است که به دلیل محل وقوع مال یا اقامت خوانده اگر در حوزه معینه شورا نباشد فاقد صلاحیت است. یا ذاتی است که خواسته و موضوع دعوا از دعاوی باشد که در ماده ۷ آئین نامه اجرائی، شورای حل اختلاف ذاتاً مجاز به رسیدگی نمی باشد.

۲ - دعوی قبلاً بین همان اطراف دعوی در مرجع رسیدگی مربوط رسیدگی شده یا تحت رسیدگی است و یا دعوایی باشد که با دعوی طرح شده ارتباط کامل داشته باشد.

۳ - خواهان اهلیت قانونی برای اقامه دعوی نداشته و یا اهلیت وی به جهات قانونی زایل شده باشد مثل وکیل غیر رسمی دادگستری که از ناحیه خواهان اصیل طرح دعوی نماید. یا کسی که مجنون یا صغیر یا ورشکسته است و درباره اش حکم ورشکستگی صادر شده که طی آن حکم از تصرف در اموالش منع شده باشد.

۴ - خواننده مدعی شود که دعوی متوجه وی نیست، به طور مثال خواهان درخواست مطالبه وجه نموده باشد و شخصی را که طرف دعوی قرار داده هیچگونه رابطه ای با وی نداشته باشد و یا با آقای الف قرارداد اجاره دارد ولی ب را به عنوان خواننده طرف دعوی قرار داده باشد.

۵ - خواهان دارای سمت قانونی نباشد یعنی به وکالت یا ولایت یا قیمومت خواهان قرار گرفته باشد در حالی که مدرکی که دلالت بر اثبات سمت وی باشد ارائه ننماید مصداق بارز وکالت همان وکالتی است که قانونگذار در بحث مربوط به قانون وکالت بیان نموده و برای طرح دعوی به عنوان وکالت، باید وکیل رسمی دادگستری دخالت نماید.

۶ - دعوی مطروحه قبلاً در یکی از مراجع صلاحیت دار رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد.

۷ - دعوی اثر قانونی نداشته باشد مثل وقف و هبه بدون قبض.^(۱)

۸ - دعوی مطروحه مشروع نباشد مانند زمانی که دعوی مبنی بر الزام خواننده به تحویل مبیع که خرید و فروش آن ممنوع است (خرید و فروش ارز) مطرح شود.

۹ - دعوی مطروحه محتمل باشد یعنی خواهان بخواهد که ثابت نماید که خواننده با احتمال و گمان به وی پولی را بدهکار است.

۱۰ - خواهان در دعوی مطروحه ذینفع نباشد که این مورد با عدم سمت خواهان در بسیاری از موارد وجوه اشتراکی دارد مثلاً اگر خواهان که مالکیت مورد اجاره را ندارد دادخواست تخلیه مطرح نماید بفرض ثبوت اگر ملک هم تخلیه شود نفعی برای

۱ - در وقف و هبه قبض شرط صحت آن است و خواهان بخواهد که ثابت نماید وقف واقع گردیده بفرض ثبوت اثر قانونی ندارد.

خواهان ندارد.

۱۱ - دعوی خارج از موعد قانونی باشد هر چند در قانون ایران مرور زمان در طرح دعوی مؤثر نیست اما مصادیقی در قانون پیش بینی شده که به موجب قوانین خاص دعوی مطروحه خارج از موعد قانونی مسموع نمی باشد مثل دعوی علیه ظهرنویس در اسناد تجاری خارج از موعد یکسال مندرج در ماده ۲۸۶ قانون تجارت یا دعاوی علیه متصدی حمل و نقل خارج از موعد یکساله در قانون تجارت^(۱) علاوه بر صلاحیت های مندرج در بند اول صلاحیت شخص نیز که از موارد رد دادرسی مندرج در ماده ۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی نیز به صلاحیتها اضافه می شود.^(۲) در هر یک از موارد گفته شده در مبحث ایرادات اعضاء رسیدگی کننده باید به آن توجه نموده و چنانچه ایراد معنونه را وارد بدانند نسبت به آن اتخاذ تصمیم مقتضی نمایند که به صراحت ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به ماده ۸۹ در مورد بندهای ۱ ماده ۸۴ قرار عدم صلاحیت به شرح صفحه ۶۹ به بعد کتاب راهنمای رسیدگی عملی شوراهای حل اختلاف صادر خواهند نمود. و در مورد بند ۲ ماده ۸۴ اگر دعوا در شورای دیگری مطرح باشد از رسیدگی به دعوی خودداری و پرونده را به مرجع

۱- رجوع کنید به مواد ۲۴۹ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۹۰ قانون تجارت .

۲- رجوع کنید به ماده ۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی.

مربوط می‌فرستد و در سایر موارد قرار رد دعوی صادر می‌نماید. (۱)

چنانچه ایرادات در جلسه اول دادرسی مطرح نشود شورا تکلیفی ندارد جدا از ماهیت دعوی به آن رسیدگی نماید و در مواردی که ایرادات را وارد نداند در ضمن رسیدگی به دعوی به آن رسیدگی و اظهار نظر خواهد نمود. در مواردی که ایراد رد دادرسی وفق ماده ۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی بعمل آید شورا باید قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید و جهات امتناع را در آن ذکر خواهد نمود.

بخش پنجم

تنظیم صورت جلسه

صورت جلسه همان فرمهای چاپی است که در اختیار اعضاء شورا می‌باشد و نحوه تنظیم آن چنین است. به تاریخ..... در وقت مقرر حوزه..... شورای حل اختلاف به تصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل و پرونده کلاسه..... تحت نظر است خواهان حضور دارد و خوانده نیز حاضر است و یا خواهان حضور ندارد در لایحه‌ای تقدیم نموده که به شماره.....

ثبت دفتر گردیده و یا خوانده علیرغم ابلاغ اخطاریه وفق ماده در جلسه با رعایت انتظار کافی در جلسه حاضر نگردیده و لایحه‌ای نفرستاده است شورا خطاب به خواهان مطالب خود را بیان نمائید و آنچه خواهان بیان می‌نماید در صورت جلسه منعکس می‌گردد سپس به خوانده گفته می‌شود اظهارات و ادعای خواهان را شنیدید دفاعی دارید بیان نمائید و عین اظهارات خوانده منعکس می‌گردد و پس از استماع، اظهارات طرفین در صورت جلسه نوشته می‌شود طرفین با اسقاط حق حضور از استماع تصمیم شورا جلسه را ترک نمودند و صورتجلسه توسط اطراف دعوی امضاء می‌شود.

فصل سوم

ادله اثبات دعوی

مدارک و دلایلی است که خواهان در جهت اثبات دعوی خود در ضمن دادخواست و یا در جریان رسیدگی به آن استناد می نماید و عبارتند از :

- ۱ - اقرار : اخبار به حقی برای غیر بر ضرر خود (۱)
- ۲ - اسناد : سند عبارت از هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد که یا رسمی است یا عادی (۲)
- ۳ - شهادت : اظهارات گواهی گواهان تعرفه شده توسط خواهان یا خوانده که در جریان دادرسی یا در ضمن تقدیم دادخواست به آن استناد می شود. (۳)
- ۴ - اماره : اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود.
- ۵ - قسم : در دعاوی که به شهادت شهود قابل اثبات است مدعی می تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم نماید. (۴)

۱ - رجوع کنید به ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی

۲ - رجوع کنید به ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی

۳ - رجوع کنید به ماده ۲۲۹ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی

۴ - رجوع کنید به مواد ۱۲۲۵ قانون مدنی و ۲۲۹ به بعد قانون آئین

فصل چهارم

صدور قرارهای اعدادی

بخش اول: قرار معاینه و تحقیق محلی

قرارهای اعدادی یا مقدماتی که برای رسیدگی به دلایل طرفین دعوی و آماده نمودن مقدمات صدور حکم صورت می‌گیرد قرارهای مقدماتی یا اعدادی گویند و به شرح زیر است:

- ۱ - قرار استماع شهادت شهود یا استماع گواهی.
- ۲ - قرار تحقیق و معاینه محلی.
- ۳ - قرار کارشناسی.
- ۴ - قرار اتیان سوگند.
- ۵ - قرار نیابت قضایی.
- ۶ - قرار تأمین دلیل.
- ۷ - قرار صحت و اصالت سند ابرازی.
- ۸ - قرار مهر و موم ترکه.
- ۹ - قرار رفع مهر و موم ترکه.
- ۱۰ - قرار مهر و موم و تحریر ترکه.
- ۱۱ - قرار داوری.
- ۱۲ - قرار تأخیر و توقیف عملیات اجرایی. (۱)

۱- رجوع شود به کتاب آئین دادرسی حقوق آشنایی عملی با نحوه رسیدگی در محاکم عمومی تألیف جناب آقای دکتر بهرام بهرامی.

بخش دوم: قرار ارجاع امر به کارشناس

از جمله قرارهای مقدماتی قرار ارجاع امر به کارشناس است که یا به تشخیص مرجع رسیدگی صادر می‌شود و یا طرفین در دادرسی به آن استناد می‌نمایند تا صحت ادعایشان روشن شود. موارد ارجاع امر به کارشناس در پرونده‌ها بسیار است از جمله مطالبه اجراء المثل، بر آورد میزان خسارت وارده به مورد خواسته و کلیه مواردی که نیاز به اخذ نظر کارشناسی دارد که با استناد به مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ قانون آئین دادرسی مدنی صادر می‌شود. لازم به یادآوری است که هر گونه قرار باید به طرفین دعوی ابلاغ شود و در صورتی که طرفین نسبت به آن معترض باشند و در فرجه اعتراض نمایند قرار ارجاع امر به هیأت کارشناسان صادر می‌شود. آنچه در قرار تأمین دلیل به کارشناس ارجاع می‌شود با صدور قرار ارجاع امر به کارشناس در ماهیت دعوی متفاوت است و چنانچه شورای حل اختلاف بخواهد برای نظریه کارشناس در قرار تأمین دلیل ارزش قائل شود باید نظریه کارشناس در ماهیت دعوی به طرف مقابل ابلاغ شود اما بهتر است با توجه به رویه قضایی در ماهیت دعوی ارجاع امر به کارشناس به صورت علیحده صورت پذیرد تا مقررات موضوع مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ قانون آئین دادرسی مدنی رعایت شود.

اینگونه قرارها نیازی به موافقت مشاور ندارد.

نمونه قرار ارجاع امر به کارشناس

نظر به اینکه تعیین میزان اجراءالمثل تصرفات ملک خواهان ضرورت دارد لذا قرار ارجاع امر به کارشناس صادر و اعلام می‌گردد تا کارشناس منتخب ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ اخطاریه با ملاحظه مدارک مستند دعوی و معاینه محل و در نظر گرفتن جمیع جهات و عوامل مؤثر در قضیه نظریه خود را در خصوص اجراءالمثل ایام تصرف به طور مستدل و مشروح و منجز مرقوم و به شورا اعلام نماید. به همین منظور آقای مهندس با قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری مندرج در کتاب کانون کارشناسان با دستمزد ریال جهت امر کارشناسی انتخاب می‌گردد، پرداخت دستمزد کارشناس به عهده خواهان است. مقرر است دفتر وقت نظارت تعیین و به خواهان اخطار شود دستمزد کارشناس را تودیع کند و قبض سپرده را به این شورا تقدیم و با وصول قبض مربوط به کارشناس، اخطار گردد در صورتی که جهات رد نداشته باشد ظرف مهلت مقرر نسبت به امر کارشناسی اقدام نماید پرونده مقید به وقت نظارت باشد.

بخش سوم: قرار استماع شهادت شهود

خواهان ممکن است به جهت اثبات ادعای خود به گواهی گواهان استناد نماید؛ در این صورت استماع گواهی گواهان در اتخاذ تصمیم نهائی موثر است و نیز ممکن است شورا استماع گواهی گواهان را در دعوی لازم و ضروری تشخیص دهد که با استناد

به مواد ۲۲۹ تا ۲۴۷ قانون آئین دادرسی مدنی و مقررات قانون مدنی در مبحث گواهی گواهان شورا قرار استماع شهادت شهود را صادر می‌نماید که نمونه آن به شرح زیر است: نظر به اینکه خواهان / خوانده به گواهی گواهان استناد نموده‌اند و استماع گواهی گواهان در تصمیم‌گیری نهائی موثر است لذا قرار استماع گواهی گواهان صادر و اعلام می‌گردد مقرر است دفتر ضمن تعیین وقت رسیدگی و دعوت از طرفین در اختاریه خواهان / خوانده قید شود مسجلین ذیل برگ استشهادیه را در جلسه شورا با همراه داشتن کارت شناسائی معتبر یا شناسنامه حاضر نمایند.

شورای حل اختلاف

فصل پنجم

انواع رأی

بخش اول حکم حضوری و غیابی

با استناد به ماده ۳۰۲ قانون آئین دادرسی مدنی رأی به اعتبار حضور خوانده یا عدم حضور وی در جلسه دادرسی و عدم ارسال لایحه به غیابی و حضوری قابل تقسیم است. در مواقعی که اخطاریه به خوانده وفق ماده ۶۸ ق.آ.د.م ابلاغ واقعی شده باشد حکم صادر حضوری محسوب است بنابراین تمامی احکام حضوری است مگر اینکه خوانده در هیچ یک از جلسات شورا حاضر نشده و لایحه‌ای تقدیم ننموده باشد و اخطاریه‌اش وفق ماده ۶۸ قانون مذکور ابلاغ واقعی نشده باشد در این صورت حکم صادره غیابی است.

بخش دوم: رأی قطعی و غیر قطعی

آراء صادره از شورای حل اختلاف به اعتبار قابل تجدید نظر بودن یا نبودن آن قطعی و غیرقطعی است. بنابراین آرای که قابلیت تجدید نظرخواهی در مرجع بالاتر را داشته باشند غیر قطعی است و چنین استنباط می‌شود که شورای حل اختلاف با توجه به صلاحیت ذاتی و عنایت به سیاق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ اصل بر غیر قطعی بودن آراء صادره از شورای حل اختلاف است.

بخش سوم

نحوه صدور رأی

پس از اعلام ختم دادرسی در صورتی که برای شورا امکان داشته باشد در همان جلسه رأی انشا می شود و به طرفین اعلام می گردد ، در غیر این صورت شورا ظرف مدت یک هفته رأی را انشا و آنرا اعلام می نماید . رأی شورا باید با استعانت از خداوند متعال به صورت کتبی باشد ، قبل از مقدمه و در قسمت عنوان مشخصات خواهان ، خوانده یا نمایندگان قانونی آنها و اقامتگاه قانونی شان ، شماره پرونده، تاریخ رسیدگی و موضوع خواسته درج می شود ، سپس با قید عنوان « رأی » ، ابتدائاً مقدمه رأی مشتمل بر ذکر طرح دعوی خواهان به طرفیت خوانده و تشریح خواسته و شرح مختصری از جریان دعوی و اقدامات انجام شده ادله ابرازی خواهان ، دفاعیات خوانده، جهات ، دلایل ، مستندات اصول و مواد قانونی قید و نتیجه به صورت حکم به صراحت درج می گردد ، حکم صادره می تواند ناظر به حقانیت خواهان و به نفع او صادر شود یا چنانچه دفاعیات خوانده قابل قبول باشد حکم به رد یا بطلان دعوی مطروحه صادر گردد به عنوان نمونه در فرض اول حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال وجه سند مدرکیه

ابرازی و یا در فرض دوم حکم به رد دعوی به لحاظ فقدان ادله ثبوتی صادر شود ، در رأی صادره چنانچه خوانده محکومیت حاصل نماید الزاماً می بایست غیابی یا حضوری بودن آن تصریح گردد ، چنانچه خوانده در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده ، لایحه دفاعیه نداده و اخطاریه ابلاغ واقعی به وی نشده باشد و علیرغم آن محکوم گردد ، حکم غیابی بوده و ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض و خواهی در همان شورا خواهد بود ، در صورتی که رأی حضوری باشد ظرف همان مدت با رعایت ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه ... قابل تجدید نظر در دادگاه عمومی محل است که الزاماً این موارد باید در پایان دادنامه قید گردد ضمناً دادنامه به امضای اعضای شورا می رسد .

بخش چهارم

نحوه اصلاح رأی

مستفاد از ماده ۳۰۹ قانون آئین دادرسی مدنی هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی سهو قلم رخ دهد مثل از قلم افتادن کلمه ای یا زیاد شدن آن و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که از آن درخواست تجدید نظر نشده شورا رأساً یا به درخواست ذی نفع رأی را تصحیح می نماید رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رونوشت رأی تصحیحی ممنوع است.

حکم دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده در صورت قطعیت اجراء خواهد شد.

تبصره یک: در مواردی که اصل حکم یا قرار قابل واخواهی یا تجدید نظر یا فرجام است تصحیح آن نیز در مدت قانونی قابل واخواهی یا تجدید نظر یا فرجام خواهد بود.

تبصره دو: چنانچه رأی مورد تصحیح به واسطه واخواهی یا تجدید نظر یا فرجام نقض گردد رأی تصحیحی نیز از اعتبار خواهد افتاد. گاهی در صدور رأی ممکن است صادر کننده رقمی که مورد خواسته یا حکم است را اشتبهاً درج نماید و یا ممکن است اسامی خواهان یا خوانده را صحیح درج ننموده باشد و یا ممکن است مطالبی را که به درستی و صحت حکم خدشه وارد می آورد از قلم انداخته باشد در این صورت تا قبل اینکه تجدید نظرخواهی شده باشد با درخواست زینفع صادر کننده حکم آن را تصحیح می نماید.

نمونه رأی تصحیحی

نظر به اینکه در رأی شماره صادره از این شورا مبلغ خواسته علییرغم درخواست خواهان و صحت ادعای وی ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده و شورا سهواً مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال درج نموده است علیهذاً توجهاً به درخواست خواهان حکم صادره از مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصلاح می گردد سایر مفاد و مندرجات حکم به قوت خود باقی است. دادن رونوشت

از رأی بدوی اصلاحیه ممنوع است.

بخش پنجم

قرارهای نهائی:

از جمله قرارهایی است که دعوی را در حدود موضوع خود خاتمه می‌دهد و اعضای شورا با صدور آن حکم صادر نخواهد نمود. این قرار بدون ورود به ماهیت دعوی صادر می‌شود و دعوی را از دادگاه خارج می‌نماید و غالباً به دنبال ایراد خوانده یا استرداد دعوی و دادخواست صادر می‌شود به شرح ذیل می‌باشد: (۱)

۱ - قرار توقیف دادرسی.

۲ - قرار ردّ دعوی.

۳ - قرار سقوط دعوی.

۴ - قرار عدم استماع دعوی.

۵ - قرار ابطال دادخواست.

گفتار اول - قرار توقیف دادرسی

با استناد به ماده ۱۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی هرگاه یکی از اصحاب دعوی فوت نموده یا محجور شود یا سمت یکی از آنان زایل گردد دادگاه رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را

۱ - رجوع کنید به کتاب راهنمای رسیدگی عملی شوراهای حل اختلاف،

به طرف دیگر اعلام می‌دارد پس از تعیین جانشین و درخواست
ذینفع جریان دادرسی ادامه می‌یابد مگر این که فوت یا حجر یا
زوال سمت یکی از اصحاب دعوی تأثیری در دادرسی نسبت به
دیگران نداشته باشد که در این صورت دادرسی نسبت به دیگران
ادامه خواهد یافت.

بند اول

نمونه قرار توقیف دادرسی و موارد آن

موارد توقیف دادرسی

الف: فوت یکی از اصحاب دعوی.

ب: محجور شدن یکی از اصحاب دعوی.

ج: زایل شدن سمت یکی از اصحاب دعوی.

نمونه قرار

نظر به اینکه مأمور ابلاغ در ظهر اخطاریه خوانده مراتب فوت
وی را اعلام نموده است علیهذا مستنداً به ماده ۱۰۵ قانون آئین
دادرسی مدنی قرار توقیف دادرسی صادر و اعلام می‌گردد مقرر
است دفتر به خواهان اخطار نماید نسبت به معرفی جانشین یا
جانشینان متوفی با ذکر آدرس دقیق ایشان اقدام نماید پرونده
از آمار کسر و بایگانی شود.

نام و امضاء اعضاء شورای حل اختلاف

نام و امضاء مشاور شورای حل اختلاف

گفتار دوم

قرار ردّ دعوی

مستفاد از ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی بند ب مادامی که دادرسی تمام نشده خواهان می تواند دعوی خود را مسترد نماید در این صورت قرار ردّ دعوی صادر می شود. (۱)

گفتار سوم

قرار سقوط دعوی

مستفاد از بند ج ماده ۱۰۷ قانون آ.د.م. چنانچه پس از ختم مذاکرات خواهان دعوی خود را مسترد نماید با وجود دو شرط و تحقق آن قرار سقوط دعوی صادر می شود.

الف: خوانده راضی به استرداد دعوی باشد.

ب: خواهان به طور کلی از دعوی خود صرفنظر نماید.

گفتار چهارم

قرار عدم استماع دعوی

این قرار هنگامی صادر می شود که دعوی مطروحه وفق قانون طرح نشده و قابلیت استماع ندارد موضوعات زیر از مصادیق آن است.

۱ - رجوع کنید به کتاب آشنائی عملی با نحوه رسیدگی در محاکم عمومی تألیف دکتر بهرام بهرامی ، صفحه ۴۳ .

- ۱ - تخلیه اماکن مسکونی بلحاظ انقضاء مدت اگر موقتاً قبل از انقضاء مدت اجاره درخواست تخلیه نماید.
- ۲ - چنانچه دعوی بطرفیت ظهرنویس سفته یا چک اقامه شده باشد ولی واخواست در موعد مقرر قانونی به عمل نیامده باشد. (۱)
- ۳ - چنانچه اقامه دعوی به طرفیت وراثت به عمل آید و مدارک مربوط به انحصار وراثت ارائه نگردد.
- ۴ - طرح دعوی خلع ید در جایی که قرارداد اجاره در بین باشد و مدرکی که دلالت بر اذن از ناحیه خواهان به خواننده در بین باشد.
- ۵ - طرح دعوی تخلیه در حالتی که هیچ گونه رابطه استیجاری در بین نباشد.
- ۶ - طرح دعوی مطالبه دین قبل از رسیدن اجل.
- ۷ - طرح دعوی الزام به ایفای تعهد قبل از رسیدن موعد مقرر.

- نمونه قرار عدم استماع دعوی

در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده بخواسته خلع ید نظر به اینکه خواننده قرارداد مورخ که دلالت بر رابطه استیجاری فی مابین خواهان و خواننده دارد را ارائه و ابراز

۱ - رجوع کنید به کتاب رسیدگی عملی در شوراهای حل اختلاف معاونت

آموزش قوه قضاییه، ص ۱۱۸.

نموده و خواهان نیز به صحت و اصالت قرارداد مدرکیه ایراد و اعتراض ننموده است علیهذا دعوی با کیفیت مطروحه قابلیت استماع نداشته و به استناد ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار ردّ دعوی صادر و اعلام می‌گردد قرار صادره با رعایت ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه عمومی محل است.

نام و امضاء اعضاء شورای حل اختلاف

نام و امضاء مشاور شورای حل اختلاف

گفتار پنجم

قرار ابطال دادخواست

در موارد زیر قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود:

۱ - مستفاد از بند الف ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی در صورتی که خواهان قبل از جلسه اول دادرسی دادخواست خود را مسترد نماید.

۲ - مستفاد از شق اخیر ماده ۹۵ قانون مارالذکر در موردی که دادگاه نیاز به اخذ توضیح از خواهان داشته و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خوانده هم دادگاه نتواند رأی بدهد و همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوی حاضر نشوند و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر نماید دادخواست ابطال می‌شود.

۳ - شق اخیر ماده ۹۶ وقتی خواهان اصل مدارک خود را در دادگاه حاضر ننموده و دادخواست وی نیز مستند به سند عادی باشد که مورد انکار یا تردید خوانده قرار گرفته باشد دادخواست ابطال می شود.

۴ - مستفاد از ماده ۲۵۶ قانون مذکور وقتی خواهان وسیله اجرای قرار را فراهم ننماید.

- نمونه قرار ابطال دادخواست

در خصوص دعوی خواهان بطرفیت خوانده به خواسته نظر به اینکه علیرغم ابلاغ اخطاریه مقید به اخذ توضیح از خواهان مشارالیه در جلسه رسیدگی حاضر نگردیده و دادگاه نیز بدون اخذ توضیح از خواهان قادر به صدور رأی در ماهیت دعوی نمی باشد مستنداً به شق اخیر ماده ۹۵ قرار ابطال دادخواست صادر و اعلام می گردد. قرار صادره با رعایت ماده ۱۸ آئین نامه اجرایی ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه های عمومی محل است.

نام و امضاء اعضاء شورای حل اختلاف

نام و امضاء مشاور شورای حل اختلاف

بخش ششم

پاکنویسی رأی

به محض اینکه جلسه رسیدگی خاتمه یافت و رسیدگی کننده

برای اظهار نظر دلایل و مدارک را کافی دید و یا به طور کلی پس از ختم مذاکرات اقدام دیگری را جهت احراز حقیقت لازم ندانست باید حداکثر ظرف یک هفته اقدام به صدور رأی نماید برای صدور رأی نیز باید به مطالب مورد ادعای خواهان و دفاعیات خواننده و مدارک مورد استناد طرفین و استعلاماتی که در حین دادرسی نیاز بوده و به شورا اعلام گردیده و سایر مطالبی که اساس استدلال در ذی حق بودن خواهان یا ردّ دعوی وی در پرونده وجود دارد توجه شود و بهتر است مطالبی که مورد نظر صادر کننده رأی می باشد و در پرونده وجود دارد در یک برگ کاغذ یادداشت برداری شود و سپس اقدام به صدور رأی شود برای مثال خواسته خواهان الزام به تحویل یک دستگاه اتومبیل است و در مشروح دادخواست مطالبی را برای اثبات دعوی ذکر نموده و در ستون دلایل نیز آنها را احصاء نموده است و دعوی خود را مستند به سند عادی بیع بین خود و خواهان نموده شورا جهت اثبات مالکیت خواننده از مرجع مربوط استعلام نموده است و خواننده در جلسه دادرسی نسبت به سند مدرک خواهان ادعای جعل یا انکار یا عدم صحت و اصالت و یا تردید ننموده است و یا بطور کلی اقرار به بیع نموده و معامله را قبول داشته تمامی اینها ارکان صدور رأی می باشد که باید در دسته بندیهای جداگانه ای یادداشت برداری شود و پس از اعلام ختم رسیدگی در پاکنویس رأی به آن پرداخته و توجه شود با الفاظ و کلمات حقوقی رأی را انشاء نماید بهتر است آنچه شورا در اثبات دعوی

یا رد آن در پرونده وجود دارد خلاصه آن را در رأی صادره درج نماید معمولاً خلاصه‌ای از دعوی خواهان نوشته می‌شود سپس دفاعیات خوانده در چند سطر خلاصه می‌شود و پس از آن استنتاج رسیدگی‌کننده از مطالب خواهان و خوانده است که باید در رأی به دفاعیات خوانده که صحیح است یا غیر صحیح پاسخ داده شود و با استدلال حقوقی و مدارکی که در پرونده موجود است یا در حین رسیدگی موجود گردیده دعوی خواهان را ثابت نماید و در پایان رأی مواد استنادی که برای اثبات دعوی خواهان لازم است ذکر خواهد شد همین که طبقه‌بندی مطالب از جمله خلاصه دعوی خواهان و خلاصه دفاعیات خوانده و پاسخ حقوقی آن و مدارک مورد استناد صادر کننده رأی از پرونده استخراج شد اقدام به نوشتن رأی خواهد شد بهتر است بدو در برگه‌ای جداگانه رأی را صادر و آن را از جهات مختلف که مذکور افتاد بررسی و با مطالعه آن چنانچه ایراد یا نقصی مشاهده نشد آنرا پاکنویس نمایند.

بخش هفتم

ارتباط اعضاء شورا با مشاور در کنترل تصمیمات

مشاورین به صراحت ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرائی ناظر بر تصمیمات شورا از جهت صلاحیت و اعمال مقررات در آئین‌نامه و سایر قوانین مربوطه می‌باشند و باید کلیه تصمیمات شورای حل اختلاف به رؤیت مشاور برسد که حسب مورد در صورتی که

تصمیم مأخوذه را از جهات قانونی و رعایت مقررات صحیح تشخیص دهد نظر خود را مبنی بر موافقت با رأی و تصمیم در ذیل رأی صادره منعکس می نماید. هر چند قانونگذار در ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی صرفاً مشاور را مکلف به موافقت یا مخالفت با آراء صادره شورا نموده است اما بنظر می رسد با توجه به عموماًت قانونی و سمت مشاور که نظارت بر اعمال اعضاء شورا از جهت اعمال مقررات قانونی در آراء است، نظارت بر کلیه اقداماتی که توسط اعضاء شورای حل اختلاف از تشکیل پرونده تا صدور رأی انجام می پذیرد را نیز عهده دار باشد و چنانچه در حین رسیدگی به پرونده دلایلی به نظر قاضی مشاور برسد عضو مشاور می تواند و مکلف است موارد نقص و اقداماتی که مخالف با موارد قانونی و آئین نامه اجرائی توسط شورا انجام شده را به شورا تذکر و رفع آن را نیز بخواهد به همین دلیل به نظر می رسد طرح طبقه بندی پرونده ها و اعضاء شورا و طبقه بندی قضات مشاور و نحوه ارتباط اعضاء شورا با مشاورین به منظور پیشرفت سریع اقدامات اعضاء شورا و آموزش حین خدمت و جلوگیری به موقع از اقدامات مخالف قوانین که ممکن است پرونده را از مسیر اصلی خارج نماید لازم و ضروری باشد و بهتر است اعضاء محترم شورا در بررسی پرونده ها از قضات مشاور در طول رسیدگی به پرونده بهره گیری نمایند و قبل از هرگونه اقدام و یا اخذ تصمیم با قضات مشاور مشورت نمایند تا با افزایش اطلاعات حقوقی خود تصمیم اصولی اتخاذ نمایند.

بخش هشتم

ابلاغ رأی

نحوه ابلاغ رأی همانند ابلاغ وقت دادرسی است که پس از امضاء هر سه نفر از اعضاء و ممهور نمودن به مهر از آن به تعداد اصحاب دعوی (برای هر نفر دو نسخه) تهیه و جهت ابلاغ به مرجع ابلاغ ارسال می شود مرجع ابلاغ با دریافت دو نسخه تصویر رأی روی یک نسخه از آن نحوه ابلاغ را درج و برگ دیگر رأی را به ابلاغ شونده تحویل می دهد و نسخه گزارش شده را جهت ضبط در پرونده به مرجع مربوط اعاده می نماید. نمونه کلیه آراء مورد استفاده در شوراهای حل اختلاف در کتاب راهنمای رسیدگی عملی در شوراهای حل اختلاف معاونت آموزش قوه قضاییه موجود است. در مورد آراء غیابی نیز ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همان شورا است که این مطلب نیز باید در ذیل رأی صادره درج گردد. (۱)

۱ - رجوع کنید به کتاب راهنمای رسیدگی عملی شوراهای حل اختلاف معاونت آموزش قوه قضاییه، صفحه ۱۲۵.

فصل ششم

اجرای آرای مدنی

ماده ۱۲ آئین نامه اجرائی مقرر می‌دارد در مواردی که انجام وظایف و اجرای تصمیمات شورا مستلزم همکاری مراجع دولتی یا عمومی یا ضابطان دادگستری است مراجع مذکور مکلف به همکاری بوده و در صورت تخلف حسب مورد مستوجب تعقیب کیفری داری و انتظامی می‌باشند و با استناد به ماده ۱۹ همان آئین نامه آراء قطعی در امور مدنی به درخواست ذینفع و به دستور رئیس شورا با صدور اجرائیه به موقع اجرا گذاشته می‌شود چنانچه با ابلاغ اجرائیه محکوم له ظرف ۱۰ روز حکم را اجرا ننماید پرونده جهت اقدام قانونی برای اجرای حکم به اجرای احکام دادگاه یا دادگستری محل تحویل می‌گردد. (۱)

حقوق دارندگان

۱ - رجوع کنید به کتاب راهنمای رسیدگی عملی شوراهای حل اختلاف، فصل پنجم، اجرای احکام شورای حل اختلاف.